

نقش آزادسازی تجاری و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای در توسعه و امنیت:
مطالعه موردی جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)

احمد بخشی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

Bakhshi@birjand.ac.ir

Doi: pg.v2i8.73031/10.22067

چکیده

توسعه و امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای و بازیگران سیاسی می‌باشد. در این راستا، اقتصاددانان معتقدند که تجارت آزاد بین کشورها می‌تواند نیروی سوق‌دهنده توسعه و در نهایت امنیت باشد. پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دوقطبی، روند همگرایی منطقه‌ای برای تأمین نیازها و اهداف گروه‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی تغییر جهت داد و تقویت شد و در عرصه عمل، شمار قابل توجهی از سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای در این دوره شکل گرفتند و نشان دادند که قدرت اقتصادی به عنصر مهم تشکیل‌دهنده قدرت سیاسی و حتی نظامی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. موافقان همگرایی اقتصادی معتقدند که فرصت‌ها بر زیان‌های ناشی از اندازه کوچک بازار داخلی اش غلبه می‌کند و «میزان یادگیری» اقتصادی‌اش را سرعت می‌بخشد و در این راستا کشورها به دلیل اصل همجواری و تشابه، به منظور کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از جهانی شدن، اصل منطقه‌گرایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. و آن را در راستای اصل "توانمندسازی" می‌دانند. قاره آفریقا، علیرغم تمام مشکلات و فراز و نشیب‌ها، یکی از مناطق ثروتمند جهان است که از نظر بسیاری از کارشناسان، منابع گسترده آن برای تولید منطقه‌گرایی و جهانی شدن ضروری می‌باشد. کشورهای این قاره همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاقه‌مند می‌باشند تا آسیب‌پذیری خود را از این پدیده به حداقل رسانده و در نتیجه، همگرایی منطقه‌ای را به عنوان یک ابزار عمده پیشرفت اقتصادی در نظر گرفته‌اند و درصددند تا از این طریق، پاسخی به دغدغه‌های اصلی‌شان یعنی توسعه و رفاه و امنیت بیابند. این پژوهش در نظر دارد تا با روش تحلیلی-توصیفی، تاثیر آزادسازی تجاری و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را در آفریقا با مطالعه موردی جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک) مورد بررسی قرار دهد.

1. Southern African Development Community(SADC)

دستیابی به رشد و توسعه، افزایش تجارت درون منطقه‌ای، ارتقا سهم سادک در تجارت جهانی، تقویت استانداردها و کیفیت زندگی و... از نتایج این پژوهش می‌باشد.

کلمات کلیدی: موافقت‌نامه تجارت آزاد، آفریقا، همگرایی منطقه‌ای، جامعه توسعه جنوب آفریقا(سادک)، توسعه.

مقدمه

توسعه و امنیت از مهم‌ترین دغدغه کشورهای و بازیگران سیاسی می‌باشد. در این راستا تمام کشورهای حداکثر تلاش خود را برای افزایش این فاکتورها با روش‌های متفاوت به کار می‌برند. این روشها ممکن است در چارچوب جنگ سرد و بلوک‌بندی‌های ناشی از آن و یا در چارچوب کمک‌های توسعه‌ای و برنامه‌های دیکته شده سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، برنامه‌های داخلی و یا چارچوب‌های منطقه‌ای صورت گیرد.

آمار نشان از این دارد که تعداد پیوندهای بین‌المللی متعارف از ۲۱۳ مورد در سال ۱۹۰۹ به ۶۰۷۶ مورد در سال ۱۹۹۹ و ۷۵۵۲ مورد در سال ۲۰۰۵ رسیده است که از این تعداد ۵۹۰۲ مورد (حدود ۸۰ درصد) ماهیت منطقه‌ای دارد (Shahabi & shikoleslami, 2007: 140). منطقه‌گرایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تحت تاثیر جنگ سرد و دو قطبی شدن سیاسی و اقتصادی جهان قرار داشت و سازمان‌های منطقه‌ای در این دهه‌ها بیشتر با هدف سیاسی و امنیتی شکل می‌گرفت تا هدف‌های اقتصادی و تجاری (Hafeznia & mokhtari & Eftekhari, 2012: 2) پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی، روند همگرایی منطقه‌ای برای تأمین نیازها و اهداف گروه‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی تغییر جهت داد و تقویت شد. در عرصه عمل، شمار قابل توجهی از سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای در این دوره شکل گرفتند. در این دوره، قدرت اقتصادی به عنصر مهم تشکیل‌دهنده قدرت سیاسی و حتی نظامی در عرصه بین‌المللی تبدیل شد؛ تا جایی که اکنون رفتار اقتصادی کشورها اهمیت ویژه‌ای در مطالعات روابط بین‌الملل پیدا کرده است. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند اقتصاد ملی خود را از درآمدهای صادرات و مزایای مشارکت در بازرگانی بین‌المللی بی‌نیاز بداند. همچنین به واسطه تغییرهای شگرفی که در صحنه بین‌المللی به وقوع پیوسته، مسئله تنظیم روابط اقتصادی خارجی به مرکز دیپلماسی منتقل شده و اهمیتی مشابه موضوع‌های سیاسی پیدا کرده است و کشورها از طریق دیپلماسی اقتصادی در تلاش برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی در صحنه بین‌المللی برای کسب نفوذ سیاسی و کمک به

دستیابی به اهداف اقتصادی (و منافع ملی) خود می‌باشند. به همین دلیل، تجارت بین‌الملل سهم قابل توجهی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و تفکر غالب بر اقتصاد بین‌الملل، تجارت آزادانه و بدون مانع کالاها و خدمات بین کشورها است (Soliemanpour, 2009:78).

در اقتصاد جهانی شده، گسترش تجارت خارجی جایگاه ویژه‌ای داشته و آزادسازی بازارهای تجاری به سبب جهانی شدن تبدیل شده است. امضای موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و تبدیل آن به سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ مؤید این موضوع است. روند افزایش اعضای سازمان جهانی تجارت، بیانگر اهمیت نقش این نهاد در برقراری تجارت آزاد و ایجاد وابستگی اقتصاد کشورها به یکدیگر و نماد برجسته‌ای از جهانی شدن اقتصاد محسوب می‌شود (Behkish, 2006:32). در این راستا کاهش مسائل و مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته یکی از موضوعات مهمی بود که سازمان تجارت جهانی در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ توجه خاصی به آن نمود (Blesel, 2009: 44).

در مورد اهمیت تجارت خارجی، حتی در تفسیر سنتی، آن چنان که توسط اقتصاددانان کلاسیک و نوکلاسیک تشریح می‌شود، نظراین است که تجارت خارجی می‌تواند نیروی سوق‌دهنده توسعه باشد. الگوی تجارت خارجی آدام اسمیت، وجود منابع نیروی کار و زمین را قبل از این که دروازه کشوری به روی بازارهای جهانی باز شود، مفروض می‌گیرد. منابع اضافی برای تولید کالاهایی مازاد که به صادرات اختصاص می‌یابد، مورد استفاده قرار می‌گیرند و بدین ترتیب تجارت برای یک ظرفیت مولد مازاد «منفذهایی» ایجاد می‌کند که در غیراین صورت بدون استفاده باقی می‌ماند. به تعبیر اسمیت:

"در میان تمام مناطقی که تجارت خارجی گسترش می‌یابد، دو فایده متمایز در آن‌ها حاصل می‌آید. جز مازاد تولید منابع نیروی کار و زمین، آن‌ها را که در داخل هیچ تقاضایی برایش وجود ندارد، به بیرون صادر و روانه می‌کند و در عوض چیزی می‌آورد که در داخل تقاضایی برای آن وجود دارد. به مواد زاید و اضافی آن‌ها ارزش می‌بخشد، آن‌ها هم از طریق مبادله آن‌ها با چیز دیگری که ممکن است بخشی از نیازهایشان را تأمین کند و لذا آن‌ها را افزایش دهد. به واسطه تجارت، کوچکی بازار داخلی (خانگی) مانع از آن نمی‌شود که تقسیم کار در هر شعبه خاص از فن یا صنعت به بالاترین حد کمال دست یابد. با گشایش بازار وسیع‌تر برای هر قسمت از تولید نیروی کار، که ممکن است از مصرف خانگی فراتر باشد، زمینه بهبود توانایی‌های تولیدی آن‌ها، انباشت تولید سالانه آن‌ها در بالاترین حد، و افزایش درآمد واقعی و ثروت جامعه را، فراهم می‌آورد و تشویق می‌کند." (Mir, 2008: 891) براساس این نظریه که بر موضوع

توسعه تأکید می‌کند، تجارت آزاد فرصتی برای یک کشور فقیر فراهم می‌کند تا کمبودهای داخلی را برطرف کند، بر زیان‌های ناشی از اندازه کوچک بازار داخلی اش غلبه کند، و «میزان یادگیری» اقتصادی‌اش را سرعت بخشد. (Mir, 2008: 893) هر چند که عده‌ای از منتقدان مانند میردال معتقدند که تفاوت‌های موجود در ساختار اقتصادی کشورها، منافع ناشی از تجارت را به نفع کشورهای پیشرفته فنی و صنعتی و به ضرر کشورهای فقیر جهت می‌دهد. همچنین عده‌ای دیگر از محققین معتقدند که آثار مثبت تجارت آزاد در صورت وجود رقابت کامل، با ایجاد تخصص بین‌المللی کار و تأمین بهینه نیازمندی‌های جامعه می‌باشد، چرا که موجب می‌شود تا هر کشوری به سقف بالاتری از تولید و مصرف برسد و در ضمن نرخ نهایی یا نسبی تولید و مصرف بین کشورها یکسان گردد. مطالعات اخیر بر اهمیت آزادسازی تجاری در رشد اقتصادی کشورها نیز تأکید نموده و ارتباطی قوی بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری را نشان می‌دهد. گسترش روزافزون حجم تجارت جهانی طی دهه‌های اخیر و اثر آن بر رشد اقتصادی، اهمیت ویژه تجارت را برای کلیه کشورها آشکار نموده است. (Movahedi, 2006: 173)

اکنون به نظر می‌رسد که یکی از ملزومات ورود مناطق گوناگون به جریان جهانی شدن، منطقه‌گرایی است. شواهد تاریخی نشان از این دارد که بسیاری از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در ابتدا از سطح منطقه شروع شده است و منطقه نقطه شروع فعالیت‌ها می‌باشد. شاید معروف‌ترین معیار برای تعیین یک منطقه، مجاورت جغرافیایی باشد؛ براین اساس یک منطقه از مجموعه چند کشور همسایه تشکیل می‌شود. (Moleer, 2002: 5) که در مجاورت جغرافیایی نسبت به یکدیگر قرار دارند. (Leenor, 2003:201) علاوه بر عامل جغرافیا؛ می‌توان منطقه‌ها را بر اساس سطح بالای تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی تعریف کرد؛ البته این تعاملات ممکن است بدون سوء نیت (همانند اتحادها یا همکاری‌های امنیتی دسته‌های منطقه‌ای) و یا مغرضانه (همانند مسابقات تسلیحاتی یا جنگ) باشد.

روش تحقیق و مبانی نظری

این پژوهش در نظر دارد تا با روش تحلیلی - تحلیلی؛ تأثیر آزادسازی تجاری و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را در آفریقا با مطالعه موردی جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک) مورد بررسی قرار دهد. اگرچه جهانی شدن تأثیر عمیقی در اقتصاد کشورها و افزایش تجارت بین‌الملل داشته است اما منطقه‌گرایی نوین در طی دو دهه گذشته در نقاط مختلف جهان به روندی رو به رشد تبدیل شده که منجر به فزونی تجارت بین کشورهای عضو و روان‌سازی جریان‌ات مالی - انسانی در درون منطقه شده است. هر چند که عده‌ای

منطقه‌گرایی را مانعی در راه جهانی شدن می‌دانند، اما به نظر می‌رسد که کشورها برای کاهش هزینه‌های فوری جهانی شدن دست به این نوع اقدامات زده‌اند و از سوی دیگر منطقه‌گرایی به عنوان یک آلترناتو از یک سو نقشه راه جهت ورود به فرایندهای جهانی شدن می‌باشد و از سوی دیگر سازه‌کاری اساسی جهت هدایت و تسریع روند جهانی شدن باشد. منطقه‌گرایی نشان داده است زمانی که نظام جهانی با بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبرو می‌شود اتحادیه‌های منطقه‌ای برای حمایت از اعضای خود تا حدودی درون‌گرا و حمایت‌گر می‌شوند. اما در زمانی که نظام جهانی از بحران خارج می‌شوند، با آن فرایند نیز همگرا می‌شوند. همجواری، یکی از عوامل تاثیرگذار بر روابط تجاری و ایجاد همگرایی اقتصادی بین کشورها است. چنانچه کشورها در قالب زیربلاک‌های موثر، بویژه همجوار، تقسیم‌بندی شوند، اثر این نوع بلاک‌بندی، شدت تشابه اقتصادی برای تشکیل یک بلاک متمرکز را افزایش می‌دهد. در چند دهه‌ی اخیر، دور جدیدی از یکپارچگی در اقتصاد جهانی آغاز شده است و روند اقتصاد جهانی به سوی وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به یکدیگر پیش می‌رود. از آن‌جا که همکاری‌های منطقه‌ای دارای ابعاد کوچک‌تری نسبت به اقتصاد جهانی است، به نظر می‌رسد که شرکت‌کنندگان در آن با مشکلات اقتصادی و تجاری کمتری مواجه باشند. اینک کشورهای در حال توسعه نیز به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده، مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل کنند و نهایتاً مزیت‌های نسبی و رقابتی خود را افزایش دهند. بنابراین، کشورها به دنبال استفاده از موافقتنامه‌های ترجیحی و اتحادیه‌های اقتصادی هستند تا بتوانند از منافع ناشی از یکپارچگی تجاری، صرفه‌های ناشی از مقیاس و انتقال تکنولوژی بهره‌جویند (Perasteh, 2006:50)

منطقه‌گرایی، تعاریف، ویژگی‌ها

در تعریف منطقه‌گرایی باید گفت که، منطقه‌گرایی فرایندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود در واقع توسعه منطقه‌گرایی یکی از اشکال کلید آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری‌های اقتصادی و پولی و پس به هم‌گرایی سیاسی و امنیتی منتج می‌شود. منطقه‌گرایی به عنوان یک مکانیزم باز دارنده، منجر به ارائه راه حل صلح‌آمیز برای بحران‌های موجود یا بحران‌های احتمالی بین اعضا شده و موجب تحکیم صلح می‌شود. در حقیقت این نوع منطقه‌گرایی را حتی برای مذاکرات سازنده متقابل بین اعضا فراهم می‌سازد (Mosavi, 2009:123) منطقه‌گرایی بر اساس تجربه تاریخی در قالب

منطقه‌گرایی قدیم (پیش از دهه ۱۹۸۰) و منطقه‌گرایی نوین (به ویژه پس از ۱۹۹۰) مطرح می‌شود. نخستین موج منطقه‌گرایی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، به شکل‌گیری جامعه اقتصادی اروپا در ۱۹۵۷ منجر شد که شاخصه اصلی آن درون‌گرایی بود؛ بدین معنا که با سیاست‌های حمایتی، تولیدکنندگان گران‌تر داخلی را جایگزین تولیدکنندگان ارزان بیرون از منطقه می‌نمود. این رویکرد که همان منطقه‌گرایی تمرکزگرا بود در جهان سوم نیز، همچون طرح لاگوس برای آفریقا، پایگاه قدرتمندی یافت. اما تغییرات اخیر اقتصاد سیاسی بین‌المللی موجب اهمیت منطقه‌گرایی نوین شده است. نظریه منطقه‌گرایی نوین تعامل بین روند جهانی‌شدن و تلاش برای یکپارچه کردن نظام‌های اقتصادی منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. در کنار موافقان فرایند منطقه‌گرایی، مخالفان معتقدند که شکل‌گیری منطقه‌گرایی به دلیل رشد سیاست‌ها و فشارهای حمایت‌گرایی و درگیری‌های تجاری است و موجب تقسیم اقتصاد جهانی به بلوک‌های تجاری رقیب شده، تنش بین آنها را تشدید می‌سازد. برخی، از جمله "جاها گواتی" منطقه‌گرایی را تهدیدی علیه جهانی‌شدن می‌دانند و جوزف نای نیز با وجود اعتقاد به گذر از منطقه‌گرایی به کثرت‌گرایی، آن را مانع گسترش فناوری و جهانی‌شدن می‌داند. مخالفان همچنین معتقدند که منطقه‌گرایی تعهدات دولت‌ها را برای چندجانبه‌گرایی و پذیرش نرم‌ها و قواعد جهانی کاهش داده، موجب نابرابری در آزاد سازی اقتصادی در درون منطقه نسبت به بیرون از منطقه می‌گردد و در کل خسارات کلانی برای مسیر طبیعی تجارت آزاد فراهم می‌کند.

اما موافقان؛ نکات مثبت منطقه‌گرایی را شامل موارد زیر می‌دانند:

الف: کاهش فاصله سنتی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه؛ ب: ایجاد فرهنگ اجتماعی لازم در کشورها برای ورود به عرصه تعاملات جهانی؛ ج: عرض اندام و افزایش چانه زنی کشورهای کوچک در منطقه و مذاکرات چندجانبه و جهانی؛ د: ارتباط دادن تجارت درون منطقه‌ای با تجارت جهانی و بهره‌مندی طرفین و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی. (Mosavi, 2009: 128-129)

منطقه‌گرایی اقتصادی با اهداف افزایش آزادسازی تجاری، آزاد شدن سرمایه‌گذاری، بازسازی ساختار اقتصادی کشورها و در نهایت همگرایی اقتصادی در ابتدا از طریق مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری دو یا چند جانبه در صدد دستیابی به اهداف می‌باشد. طبق تعریف سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، موافقتنامه‌هایی هستند که بین کشورهایی که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار ندارند، منعقد می‌شوند و شامل اقداماتی از جانب دولت‌ها می‌باشد که جهت تسهیل تجارت از طریق موافقتنامه‌های

تجارت آزاد یا اتحادیه‌های گمرکی صورت می‌گیرد. تحلیل سستی اقتصادی بیان می‌دارد که موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در نقش شکلی از آزادسازی تجاری، قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان از دو طریق کاهش می‌دهند: (۱) حذف تعرفه‌هایی که قبلاً بر واردات وضع می‌شدند (۲) جایگزینی تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی با واردات ارزاتر از درون منطقه (خلق تجارت) (Movahedi, 2006:178). سازمان جهانی تجارت، این نوع موافقتنامه را تحت شرایط ویژه‌ای که در ماده (۲۴) گات آمده و شرایطی که با نام «شرط توانمندسازی» معروف می‌باشند، پذیرفته است. تا پایان سال ۲۰۰۸ حدود ۴۲۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به گات و به دنبال آن به سازمان جهانی تجارت اعلام شده بود که از آن میان بیش از ۲۳۰ مورد در آن زمان (UNCTAD, 2009) و در حال حاضر ۳۲۰ موافقت نامه لازم‌الاجرا هستند (WTO, 2018). لازم به ذکر است که این تعداد تا قبل از شروع به کار این سازمان ۱۲۰ مورد بود. در میان موافقت‌نامه‌های لازم‌الاجرا، نزدیک به ۴۰ اتحادیه و نهاد تجاری منطقه‌ای فعالیت می‌کنند که در مجموع بیش از ۲۰۰ کشور در آنها عضو هستند (UNCTAD, 2017). برخی از آثار عملی تجارت منطقه‌ای عبارتند از: (۱) انبساط بازار و اطمینان از بازارهای مصرف دیگر (۲) تولید به مقیاس زیاد و کاهش هزینه‌ها (۳) ایجاد رقابت سالم و افزایش کیفیت و تنوع (۴) ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر از طریق سرمایه‌گذاری (۵) تقسیم بیشتر کار و تخصصی شدن امور (Movahedi, 2006: 182). موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای از حیث سطح همگرایی به شرح ذیل قابل تقسیم‌بندی می‌باشند:

(۱) **موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی**: این نوع موافقتنامه‌ها در ابتدایی‌ترین سطح همگرایی قرار دارند و تحت آن کشورهای عضو موانع تجاری (معمولاً تعرفه‌ای) را بین خودشان کاهش می‌دهند. موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی معمولاً باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه به بازارهای صادراتی بزرگتر دست یابند و بنابراین به توسعه اقتصادی گسترده‌تری نایل شوند (Nematolahi, 2012:14).

(۲) **موافقتنامه منطقه تجاری آزاد**: ترتیبات دارای رفتار متقابل می‌باشند که به موجب آنها موانع تجاری (معمولاً تعرفه‌ها) بین کشورهای عضو از میان برداشته می‌شود. باین حال، هر عضو موانع تجاری خارجی خود را در برابر کشورهای غیرعضو خواهد داشت.

۳) **اتحادیه گمرکی:** سطح بعدی همگرایی اقتصادی، اتحادیه گمرکی می‌باشد. در یک اتحادیه گمرکی، کلیه اعضا یک سیاست مشترک تجارت خارجی (یعنی رژیم تعرفه‌ای خارجی مشترک) را در پیش می‌گیرند.

۴) **بازار مشترک:** در سطح بالاتر همگرایی، بازار مشترک است که در آن کشورهای عضو متعهد به کاهش محدودیت تجاری بین اعضا و افزایش محدودیت‌های تجاری در قبال غیراعضا بوده و تعرفه گمرکی را بین خود حذف نموده و سیاست‌های یکسان گمرکی را نیز در پی می‌گیرند، اما نقل و انتقال آزادانه عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) را نیز تسهیل می‌کنند.

۵) **اتحادیه پولی:** اتحادیه پولی، بازار مشترکی است که در آن اعضا توافق می‌کنند تا پول واحدی را به جریان اندازند، مثلاً می‌توان دلار کاراییب شرقی و فرانک سیفت در غرب آفریقا را نام برد.

۶) **اتحادیه کامل اقتصادی (اتحادیه اقتصادی و پولی):** این موافقتنامه که عالی‌ترین سطح همگرایی را دربردارد، یک اتحادیه پولی است که سیاست‌های اقتصادی هماهنگی توسط یک اداره مرکزی تعیین و ابلاغ می‌شود. اتحادیه اروپایی (EU) یک نمونه عینی اتحادیه کامل اقتصادی است که در آن پول واحدی (یورو) نیز جریان دارد (Movahedi, 2006: 186). به طور کلی می‌توان گفت که برای برقراری منطقه‌گرایی باید همگرایی از طریق ارزشها؛ بازیگران و یا همگرایی به عنوان مبادلات بین کل و اجزاء با اهداف افزایش امنیت منطقه‌ای؛ توسعه و پیشرفت و افزایش نفوذ سیاسی روی دهد.



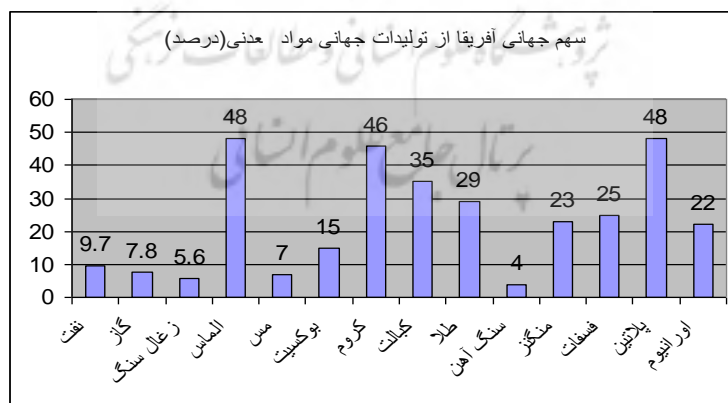
نمودار ۱- اثر نجات آزاد بر وابستگی متقابل و فرآیند جهانی شدن

(Merabi, 2006: 85)

نقش منطقه‌گرایی اقتصادی در آفریقا

براساس شواهد و گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی، قاره آفریقا دارای استعداد بالقوه چشمگیری برای فعالیت‌های اقتصادی است. وجود ۱۸۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ۱۵ درصد از

جنگل‌های جهان و ۲۵ درصد از مراتع دنیا در این قاره، مؤید این گفتار است. این قاره از نظر مساحت و جمعیت، دومین قاره بزرگ جهان پس از آسیاست و با جمعیتی حدود یک میلیارد نفر، یک هفتم از جمعیت جهان را در خود جای داده است. این قاره دارای بالاترین بازگشت سرمایه در جهان می‌باشد؛ این میزان چهار برابر کشورهای گروه هشت، دو برابر کشورهای قاره آسیا و دوسوم بیشتر از کشورهای آمریکای لاتین است (African Union, 2004: 6-8). آفریقا از قرن‌ها پیش به دلیل دارا بودن منابع معدنی غنی و بکر مورد توجه اروپاییان بوده است. در سال‌های اخیر، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. قسمت اعظم تولیدات معدنی به خارج، به خصوص اروپا و آمریکا صادر می‌شود. عمده‌ترین مواد معدنی آفریقا عبارت‌اند از: فلزات و سنگ‌های قیمتی، آلیاژهای آهن، مس و قلع، فسفات و... این قاره ۴۸ درصد الماس و پلاتینیوم، ۴۶ درصد کروم، ۳۵ درصد کبالت، ۲۹ درصد طلا، ۲۵ درصد فسفات، ۲۲ درصد اورانیوم و ۲۳ درصد منگنز جهان را دارا می‌باشد. مناطق عمده تولیدات معدنی عبارت‌اند از: کنگو، زیمبابوه، آفریقای جنوبی، کشورهای جنوب آفریقا، سواحل گینه، غرب آفریقا، مغرب، الجزایر و تونس. مواد معدنی استخراج‌شده در غرب آفریقا نیز از این قرار است: منگنز، طلا، الماس، قلع و نفت در نیجریه، سنگ آهن در سیرالئون و لیبیا. این منطقه دارای ذخایر وسیعی از بوکسیت است. در شمال غرب آفریقا دو ماده معدنی مهم فسفات و سنگ آهن وجود دارد. ذخایر هر دو ماده معدنی در مغرب، صحرا، الجزایر و تونس قرار دارد. در دهه‌های اخیر، استخراج نفت نیز به تولیدات معدنی آفریقا اضافه شده است (Bakhshi, 2009: 34).



نمودار ۲- سهم آفریقا از تولیدات معدنی جهان (برآورد سال ۲۰۱۲)

(De Villiers, 2013: 93)

اگرچه این قاره از عمده‌ترین صادرکنندگان مواد معدنی است. اما درآمد آفریقای زیر صحرا (به جز چند کشور) اندک و بسیار پایین است و این کشورها از اختلاف درآمدی بالایی برخوردار می‌باشند برای مثال براساس آمار سال ۲۰۱۲ جمع درآمد ناخالص ملی ۴۲ کشور آفریقای زیر صحرا، معادل درآمد آفریقای جنوبی بود. کشورهای آفریقایی پس از استقلال با مشکلات ناشی از جنگ سرد و میراث استعماری گرفتار شدند و عملاً از دغدغه اصلی یعنی توسعه، رشد و امنیت انسانی غافل ماندند. در تجارت جهانی نیز قاره آفریقا دارای فراز و نشیب فراوانی بوده است. این قاره در تحولات چند دهه اخیر، شاهد نوسان شدید و افول جایگاه خود در مبادلات تجاری بوده است به طوری که سهم آفریقا از بیش از ۷ درصد صادرات جهانی در دهه ۱۹۵۰ به کمتر از دو درصد در دهه ۱۹۹۰ (Moyo, 2007: 41) کاهش یافت اما در هزاره جدید با اندکی افزایش به حدود ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۲ رسیده است (UNICA, 2014: Xii).

با وجود اینکه قاره آفریقا دارای منابع گسترده و همچنین دارای سابقه طولانی در اتحادیه‌های منطقه‌ای است هنوز نتوانسته است جایگاه خوبی در اقتصاد جهانی را از آن خود کند. بازارهای مالی آفریقا (شاید به استثنای آفریقای جنوبی) همگرا و هماهنگ با بازارهای جهانی نمی‌باشد. آفریقای زیر صحرا بیشترین تعداد کشور دارای درآمد سرانه و شاخص توسعه انسانی پایین در جهان را دارا می‌باشد و در حدود ۴۰ درصد از جمعیت آن دارای درآمد کمتر از یک دلار در روز هستند و سهم فقرای این قاره بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از کل فقرای جهان را تشکیل می‌دهد. حاشیه‌ای شدن اقتصاد این قاره به زمان اشغال و استعمار و تجارت برده برمی‌گردد که پس از استعمار نیز میراث آن باقی است. هرچند که پس از استقلال، اکثر کشورهای این قاره متهم به حکومت استبدادی، سیاست‌های غلط اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش فقر گردیدند هم اکنون نیز بیشترین عامل این فقر به اپیدمی اچ‌ای وی وایدز برمی‌گردد. این اپیدمی ظرفیت تولید این قاره را به شدت کاهش داده است.

بنیاد هری تیچ وابسته به مجله وال استریت ژورنال، که سالانه شاخص آزادی اقتصادی کشورها را برآورد می‌کند. در گزارش سال ۲۰۱۴ (آمار ۱۷۸ کشور جهان و ده شاخص شامل تجارت، بودجه، دخالت دولت، سیاست پولی، سرمایه‌گذاری خارجی، بانکداری و تامین مالی، دستمزدها و قیمت‌ها، حقوق مالکیت فکری، تنظیم مقررات و بازار سیاه به عنوان معیارهای آزادی اقتصادی را با ارزش عددی شاخص

آزادی اقتصادی که بین صفر و ۱۰۰ قرار دارد مورد مطالعه قرار گرفته است) کشورهای مورد مطالعه را در پنج گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:

گروه ۱: اقتصادهای آزاد^۱: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۸۰ و ۱۰۰ واقع است.

هیچ اقتصادی از کشورهای مورد مطالعه در قاره آفریقا در این گروه قرار ندارد.

گروه ۲: اقتصادهای عمدتاً آزاد^۲: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۷۰ و ۷۹/۹

است. کشورهای موریتوس و بوتسوانا با شاخص ۷۲ و ۷۳/۵ در این گروه قرار دارند.

گروه ۳: اقتصادهای نسبتاً آزاد^۳: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۶۰ و ۶۹/۹ است.

شش کشور از اقتصادهای قاره آفریقا در این گروه قرار دارند که به ترتیب عبارتند از: دماغه

سبز (۶۶/۱)، رواندا (۶۴/۷)، غنا (۶۴/۲) آفریقای جنوبی (۶۲/۵)، ماداگاسکار (۶۱/۷)، زامبیا (۶۰/۴).

گروه ۴: اقتصادهای عمدتاً غیرآزاد^۴: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین ۵۰ و ۵۹/۹

است که ۶۰ کشور جهان در این طبقه جای می‌گیرند. ۲۷ کشور از اقتصادهای قاره آفریقا از جمله

الجزایر، مغرب، تونس، نامیبیا، کامرون، نیجر، سنگال، زامبیا، کنیا، ساحل عاج، گامبیا، غنا و گینه

در این گروه جای دارند. بهترین وضعیت را از این کشورها، اوگاندا با ارزش عددی ۵۹/۹ و رتبه

۹۱ در جهان کسب کرده است.

گروه ۵: اقتصادهای غیرآزاد یا سرکوب شده^۵: ارزش عددی شاخص آزادی اقتصادی این گروه بین

صفر و ۴۹/۹ است. از بقیه اقتصادهای قاره آفریقا به تعداد ۱۱ کشور مطابق این گزارش اقتصادهای

سرکوب شده می‌باشند و بقیه کشورهای این قاره به دلیل عدم اطلاعات رتبه بندی نشده

اند (Miller, 2014:4). لازم به ذکر است که از ده کشور این قاره که بالاترین درجه آزادی اقتصادی

را دارند (موریتوس، بوتسوانا، دماغه سبز، رواندا، غنا، آفریقای جنوبی، ماداگاسکار، زامبیا، اوگاندا و

نامیبیا)، پنج کشور عضو جامعه توسعه جنوب آفریقا می‌باشند که عموماً از سیاست پولی،

بانکداری، عدم دخالت دولت، بودجه‌ریزی و بخش خارجی توسعه یافته‌تری از دیگر کشورها

برخوردارند،

1. Free
2. Mostly Free
3. Moderately
4. Mostly Unfree
5. Repressed

مطابق اطلاعات آماری سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲ نتیجه‌گیری می‌شود که کل صادرات و واردات قاره آفریقا در سال ۱۹۸۰، به ترتیب ۱۲۰ و ۹۶/۴ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۹۰ تحول خاصی دیده نمی‌شود، اما در دو دوره ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ رشد قابل ملاحظه‌ای را شاهد بوده و در سال ۲۰۰۴ صادرات و واردات به ترتیب به ۲۲۵/۶ و ۱۹۹/۳ میلیارد و حدود ۱/۸۸ و ۲/۰۷ برابر رسید. لازم به ذکر است این رقم برای سال ۲۰۱۲ به ۶۴۰ و ۵۸۲ میلیارد دلار رسیده است. متوسط سهم صادرات و واردات قاره آفریقا از صادرات و واردات جهانی از ۵/۹ و ۴/۶۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲/۵ و ۲/۱۶ درصد در سال ۲۰۰۴ یعنی به بیش از نصف کاهش یافت که در سال ۲۰۱۲ با اندکی افزایش به حدود ۳/۱ و ۳/۳ رسید (AFDB, 2014: 39). که گویای آن است که آهنگ رشد تجارت در قاره آفریقا در اوایل هزاره جدید (در هر دو منطقه شمال آفریقا و زیر صحرا) به مراتب کمتر از آهنگ رشد تجارت جهانی بوده است (Hossini & homan, 2009: 74). این مازاد تجاری در سال‌های بعد به دلیل بحران جهانی اقتصاد با نوسان مواجه شد، اما روند کلی آن مثبت بوده است و در دو سال گذشته بیشتر از متوسط جهانی گردیده است، به طوری که آفریقا در سال ۲۰۱۲، رکورد بالاترین سرعت رشد تجاری در سراسر جهان را از آن خود کرد، میزان رشد حجم تجاری این منطقه به ۹،۳ درصد رسید. از این میان، میزان رشد صادرات قاره آفریقا به ۱۱،۳ درصد رسید (WTO, 2013: 24). همچنین، در طول دو دوره آخر، بالاترین سهم از ارزش تجارت درون گروهی در تشکل‌های اقتصاد منطقه‌ای واقع در قاره آفریقا به ترتیب به سادک، اکواس، سین - ساد، ای سی سی ای اس و کومسا^۱ تعلق دارد. این نکته را باید متذکر شد که رقم رشد در سراسر جهان از سال ۲۰۱۶ رقم کاهشی به خود گرفت و به پایین‌ترین حد بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ رسید، به طوری که سهم صادرات و واردات آفریقا با جهان با اندکی کاهش، در سال ۲۰۱۶، ۲/۲۰۹ و ۲/۹۶ کاهش یافت (WTO Statistical Review, 2017: 20).

علیرغم تمام مشکلات و فراز و نشیب‌های این قاره، هنوز هم آفریقا یکی از مناطق ثروتمند جهان باقی مانده است و منابع گسترده آن برای تولید منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن ضروری است. همانطور که در مقدمه ذکر شد، در دهه اول قرن بیستم، جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی، تأثیرات گسترده بر اقتصاد جهانی داشته است. آفریقا، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاقه‌مند است تا خود را از این فرایند جدا نگه دارد و یا آسیب‌پذیری خود را از این پدیده به حداقل برساند. براساس شاخص‌های همگرایی، این قاره از زمان

1. SADC ,ECOWAS CEN- SAD , ECCAS, COMESA

استقلال از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا کنون، دارای بیشترین همگرایی منطقه‌ای بوده است و کشورهای این قاره از آن زمان تاکنون، بیش از ۲۰۰ نهاد منطقه‌ای را شکل داده‌اند. بیشترین سازه‌ها بر روی همگرایی اقتصادی تاکید داشته‌اند.

پس از جنگ سرد، کشورهای آفریقایی، همگرایی منطقه‌ای را به عنوان یک ابزار عمده پیشرفت اقتصادی در نظر گرفته‌اند، معاهده آبوجا (در سال ۱۹۹۱) با تاسیس جامعه اقتصادی آفریقا، زمینه تعهد آفریقا برای همگرایی اقتصادی این قاره را تدارک دید.

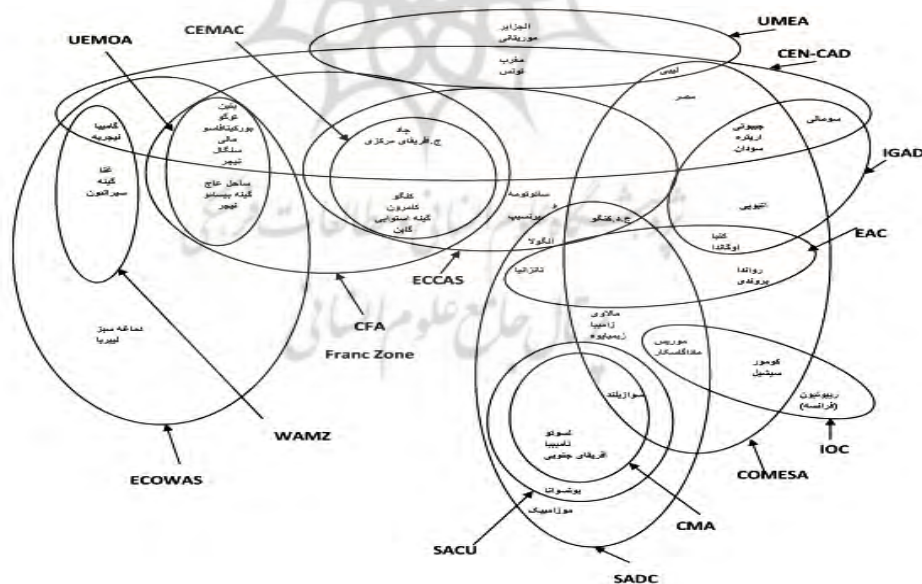
جدول ۱- مهم ترین نهادهای اقتصادی آفریقا

نام سازمان	نوع	حوزه فعالیت و نوع خدمات	تاریخ شروع فعالیت	اعضا	هدف ویژه
اتحادیه مغرب عربی (UMA)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۱۷ فوریه ۱۹۸۹	الجزایر، لیبی، موریتانی، مغرب، تونس	اتحادیه کامل اقتصادی
بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (COMESA)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۸ دسامبر ۱۹۹۴	بروندی، کومور، جمهوری دموکراتیک کنگو، جیبوتی، مصر، اریتره، اتیوپی، کینیا، ماداگاسکار، مالاوی، موریس، لیبی، رواندا، سیشل، سودان، سوازیلند، اوگاندا، زامبیا، زیمبابوه	بازار مشترک
اتحادیه کشورهای ساحل و صحرا (CEN-SAD)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۴ فوریه ۱۹۹۸	بنین، بورکینافاسو، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، ساحل عاج، جیبوتی، مصر، اریتره، گامبیا، لیبی، مالی، مغرب، نیجر، نیجریه، سنگال، سومالی، سودان، توگو، تونس	منطقه آزاد تجاری و همگرایی در بعضی بخش‌ها
اتحادیه اقتصادی کشورهای مرکز آفریقا (ECCAS)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۱ جولای ۲۰۰۷	آنگولا، بروندی، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو، گینه استوایی، گابن، سائوتومه و پرنسیپ، رواندا	اتحادیه کامل اقتصادی
اتحادیه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (ECOWAS)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۲۴ جولای ۱۹۹۳	بنین، بورکینافاسو، دماغه سبز، ساحل عاج، گامبیا، غنا، گینه، گینه بیسائو، لیبیا، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون، توگو	اتحادیه کامل اقتصادی
سازمان بین‌الدولی حاکمیت برای توسعه (IGAD)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۲۵ نوامبر ۱۹۹۶	جیبوتی، اریتره، اتیوپی، کینیا، سومالی، سودان، اوگاندا	اتحادیه کامل اقتصادی

ادامه جدول ۱

نام سازمان	نوع	حوزه فعالیت و نوع خدمات	تاریخ شروع فعالیت	اعضا	هدف ویژه
جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC)	منطقه آزاد تجاری	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۱ سپتامبر ۲۰۰۰	آنگولا، بوتسوانا، جمهوری دموکراتیک کنگو، لسوتو، مالاوی، موریس، موزامبیک، نامیبیا، سیشل، آفریقای جنوبی، سوازیلند، تانزانیا، زامبیا، زیمبابوه	اتحادیه کامل اقتصادی
جامعه اقتصادی و پولی مرکز آفریقا (CEMAC)	اتحادیه گمرکی	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۲۴ ژوئن ۱۹۹۹	کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو، گینه استوایی، گابن	اتحادیه کامل اقتصادی
جامعه شرق آفریقا (EAC)	اتحادیه گمرکی	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۷ جولای ۲۰۰۰	کنیا، تانزانیا، اوگاندا، رواندا، بروندي	اتحادیه کامل اقتصادی
اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا (SACU)	اتحادیه گمرکی	کالا، خدمات، سرمایه گذاری، مهاجرت	۱۵ جولای ۲۰۰۴	بوتسوانا، لسوتو، نامیبیا، آفریقای جنوبی، سوازیلند	اتحادیه گمرکی
اتحادیه اقتصادی و پولی غرب آفریقا (UEMOA)	اتحادیه گمرکی	همه‌هنگی قانون تجاری	۱۰ ژانویه ۱۹۹۴	بنین، بوركینافاسو، ساحل عاج، گینه بیسائو، مالی، نیجر، سنگال، توگو	اتحادیه کامل اقتصادی

UNCTAD, 2009: 10



نمودار ۳ - پراکندگی سازمانهای منطقه‌ای آفریقا

UNCTAD, 2009: 72

سازمان توسعه حاکمیت بین‌الدولی	IGAD	جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا	ECOWAS
جامعه شرق آفریقا	EAC	منطقه پولی غرب آفریقا	WMAZ
کمیسیون اقیانوس هند	IOC	منطقه پولی فرانک سیفا	CFA- Franc Zone
بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا	COMESA	اتحادیه پولی و اقتصادی غرب آفریقا	UMEOA
منطقه پولی مشترک	CMA	جامعه اقتصادی کشورهای مرکز آفریقا	CEMAC
اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا	SACU	اتحادیه اقتصادی کشورهای مرکز آفریقا	ECCAS
جامعه توسعه جنوب آفریقا	SADC	اتحادیه مغرب عربی	UMA
		اتحادیه کشورهای ساحل و صحرا	CEN-CAD

همچنین سازه‌های منطقه‌ای در سایر مناطق آفریقا نیز در حال شکل‌گیری است. برای مثال اتحادیه اقتصادی و پولی در غرب آفریقا در نظر دارد تا تعرفه‌های خارجی و کمیسیون مشترک و بسیاری از عناصر سیستم اروپایی را در آنجا (واحد پول مشترک به نام فرانک سیفا که در حال حاضر موجود است) به اجرا درآورد. همچنین اعضای جامعه شرق آفریقا (یعنی کنیا، اوگاندا و جمهوری متحده تانزانیا) نیز تلاش‌های جدیدی را برای تشکیل اتحادیه اقتصادی و پولی یا پول مشترک آغاز نموده‌اند و برون‌دی و رواندا را نیز به عضویت خود درآورده‌اند. بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا با ۱۹ عضو (بروندی، کومور، جمهوری دیمکراتیک کنگو، جیبوتی، مصر، اریتره، اتیوپی، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، موریس، لیبی، رواندا، سیشل، سودان، سوازیلند، اوگاندا، زامبیا و زیمبابوه) بزرگ‌ترین شکل منطقه‌ای در آفریقا است که با هدف ایجاد اتحادیه گمرکی و تعرفه‌های خارجی مشترک تشکیل شده است (Blesel & anuoku, 2009:128). نتیجه این تحولات منجر شد که تجارت درون قاره ای در آفریقا از ۱۹,۳ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۳۳,۴ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید، اما با تحولات ناشی از رشد اقتصادی در قاره به همراه بحران جهانی اقتصاد و رشد سریع تجارت آفریقا با خارج از قاره این سطح در سال ۲۰۱۱ به ۱۱,۳ درصد کاهش یافت. که این کاهش بیشتر از مناطق شمال، غرب و شرق بود تا جنوب، زیرا در دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، ۷۸ درصد تجارت سادک با مجموعه منطقه‌ای وابسته به خودش صورت می‌گرفت. لازم به ذکر است این رقم برای آسیا در همین دوره ۵۰ درصد، آمریکای لاتین ۲۱ درصد و اروپا، ۷۰ درصد بوده است. (UNCTAD, 2013: 2 & Zarenda, 2013: 5)

جدول ۲- درصد صادرات درون منطقه‌ای از کل صادرات جهانی

منطقه	۱۹۶۰-۱۹۶۲	۲۰۰۴-۲۰۰۶	درصد رشد
آفریقا	۵,۵۸	۸,۶۸	۵۵,۴۳
شمال آفریقا	۲,۸۱	۲,۴۵	-۱۲,۷۵
آفریقای زیر صحرا	۴,۰۸	۱۱,۴۱	۱۷۹,۹۴
کشورهای در حال توسعه آمریکا	۱۵,۹۷	۱۸,۵۴	۱۶,۱۱
کشورهای در حال توسعه آسیا	۲۱,۰۶	۴۵,۵۴	۱۱۶,۲۸
کشورهای توسعه یافته آمریکا	۲۶,۶۴	۳۹,۸۰	۴۹,۴۱
کشورهای توسعه یافته اروپا	۶۱,۲۸	۷۱,۳۸	۱۶,۴۷

UNCTAD, 2009: 23

براساس آمار جدول شماره ۲ رشد صادرات درون منطقه‌ای در آفریقای زیر صحرا در دو دوره ۱۹۶۲-۱۹۶۰ و ۲۰۰۶-۲۰۰۴، ۱۷۹/۹۴ درصد بوده است - نسبت به رشد شمال آفریقا که منفی بوده است - نشان از تاثیرات سازمانهای منطقه‌ای و منطقه‌گرایی اقتصادی دارد. برای مثال می‌توان از تحقق اهداف سازمانهای منطقه‌ای در جنوب صحرا یاد کرد. این در حالی است که کشورهای شمال آفریقا به جز در اتحادیه مغرب عربی در چند سازمان منطقه‌ای عضو نمی‌باشند و تنها مصر و لیبی در سالهای اخیر به عضویت کومسا درآمده‌اند.

با توجه به چالش‌های جهانی شدن، رهبران آفریقایی به طور مداوم بر گسترش همگرایی منطقه‌ای شامل ایجاد بازار مشترک برای کالاها، خدمات، سرمایه و کار و هماهنگی قوانین تاکید دارند. این موضوع باعث توسعه و پیشرفت گردیده است. علیرغم همگرایی منطقه‌ای طولانی در قاره، سطح تجارت بین منطقه‌ای در مقایسه با دیگر مناطق پایین است. در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ در سطح منطقه‌ای صادرات ۸۷ درصد و واردات ۹/۶ درصد بوده است. این سهم برای آفریقای زیر صحرا (در حدود ۱۲ درصد) بیشتر از شمال آفریقا (در حدود ۳ درصد) بوده است (UNCTAD, 2009:3). اگرچه این سهم نسبت به دیگر مناطق کمتر بوده است اما شاهد رشد تدریجی آن در سالهای اخیر بوده‌ایم. در اوایل دهه ۱۹۷۰، سهم مبادلات منطقه‌ای ثابت بود اما در سال ۱۹۷۸ به ۲/۹ درصد رسید. از آن زمان تا اواسط دهه ۱۹۸۰ این سهم رشد اندک داشت اما در نیمه دوم دهه ۸۰ و دهه ۱۹۹۰ تا حدودی شتاب گرفت و این روند پس از آن در هزاره جدید بین ۱۰ تا ۱۴ درصد ادامه پیدا کرد (نک به جدول شماره ۳).

جدول ۳- تجارت درون منطقه‌ای قاره آفریقا ۲۰۱۲-۲۰۰۴ (میلیون دلار)

درصد از تجارت درون گروهی		تجارت درون گروهی		تجارت قاره آفریقا		
سهم از صادرات	سهم از واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	سال
۱۰,۵	۱۳,۶	۲۳۵۴۰	۲۷۵۵۶	۲۲۳۴۸۱	۲۰۲۹۶۷	۲۰۰۴
۹,۸	۱۳,۷	۳۰۰۱۴	۳۳۷۴۱	۳۰۵۷۱۲	۲۴۷۱۴۱	۲۰۰۵
۱۰,۶	۱۳,۶	۳۸۸۳۵	۳۸۱۳۲	۳۶۵۶۹۳	۲۸۰۵۴۰	۲۰۰۶
۱۰,۷	۱۳,۷	۴۲۸۹۹	۴۸۴۲۱	۳۹۹۶۳۵	۳۵۴۵۶۰	۲۰۰۷
۱۱,۱	۱۳,۲	۵۸۷۳۴	۵۸۷۰۰	۵۲۹۲۰۱	۴۴۵۸۴۴	۲۰۰۸
۱۴,۸	۱۳,۷	۵۵۰۱۶	۵۴۹۶۸	۳۷۰۵۹۱	۴۰۰۱۶۸	۲۰۰۹
۱۳,۲	۱۴,۰	۶۴۰۶۱	۶۴۶۹۳	۴۸۳۵۴۵	۴۶۱۴۸۳	۲۰۱۰
۱۲,۹	۱۲,۷	۷۸۳۴۱	۶۹۹۱۲	۶۰۷۹۷	۵۵۱۱۶۷	۲۰۱۱
۱۳,۰	۱۲,۸	۸۳۲۸۱	۷۴۵۲۶	۶۴۰۶۸۹	۵۸۲۸۶۸	۲۰۱۲

African Statistical yearbook, 2014: 37

این روند بر اساس جدول شماره ۴، نیز تداوم رشد را در بین سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ در سازمان‌های منطقه‌ای آفریقا نشان می‌دهد، به طوری که در قاره آفریقا، فقط در منطقه جامعه شرق آفریقا و سازمان توسعه حاکمیت بین‌الدولی (ایگاد) شاهد کاهش رشد تجارت درون منطقه‌ای بوده ایم.

جدول ۴- تجارت درون منطقه‌ای قاره آفریقا بین سالهای ۲۰۱۵-۱۹۹۶

سهم در کل تجارت آفریقا					سازمان منطقه‌ای
۲۰۱۵	۲۰۱۲	۲۰۰۷-۲۰۱۱	۲۰۰۱-۲۰۰۶	۱۹۹۶-۲۰۰۰	
۱۰,۴	۸,۶	۱۰,۲	۱۰,۰	۹,۳	جامعه کشورهای ساحل و صحرا (CEN-SAD)
۱۱,۷	۷,۶	۱۳,۳	۱۳,۵	۱۶,۶	بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (COMESA)
۱۸,۱	۱۹,۷	۲۳,۱	۲۶,۰	۲۴,۰	جامعه شرق آفریقا (EAC)
۱۲,۱	۱۳,۴	۱۴,۲	۱۴,۷	۱۳,۷	اتحادیه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (ECOWAS)
۱۲	۱۴,۴	۱۴,۳	۱۵,۱	۱۷,۳	اتحادیه بین‌الدولی توسعه (IGAD)
۱۹,۵	۱۷,۳	۱۶,۴	۱۶,۱	۳۴,۲	جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC)
۱۰,۵	۸,۲	۹,۳	۷,۷	۸,۳	جامعه اقتصادی کشورهای مرکز آفریقا (ECCAS)
۵,۴	۵,۱	۵,۰	۴,۰	۴,۲	اتحادیه مغرب عربی (AMU)

Economic Development in Africa 2013: 20 & African Development Outlook, 2018: 16

جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)

سابقه منطقه‌گرایی در جنوب آفریقا طولانی و به سال ۱۸۸۹ به کنوانسیون اتحادیه گمرکی که در سال ۱۹۶۹ به اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا تبدیل شد، برمی‌گردد (Lee, 2003: 2). همچنین این منطقه به BLNS (بوتسوانا، لسوتو، نامیبیا و سوازیلند) معروف است. در کنار این اتحادیه، ایده ایجاد کنفرانس همکاریهای توسعه جنوب آفریقا، در سال ۱۹۷۴ و همزمان با تشکیل کشورهای خط مقدم مطرح شد (Tavares, 2009: 56) و در جولای ۱۹۷۹ این سازمان توسط ۱۱ کشور به منظور کاهش وابستگی اقتصادی به رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی تاسیس گردید. در ۱۷ اگوست ۱۹۹۲، ده کشور عضو کنفرانس (آنگولا، بوتسوانا، لسوتو، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، سوازیلند، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه) قانون تاسیس جامعه توسعه جنوب آفریقا را به همراه آفریقای جنوبی به امضا رساندند. موریس در سال ۱۹۹۵، جمهوری دموکراتیک کنگو و سیشیل در سال ۱۹۹۷ به این جمع پیوستند. در سال ۲۰۰۵ نیز فرایند پذیرش ماداگاسکار در این جامعه شروع شد و اعضای آن به ۱۵ کشور افزایش یافت (Rossouw, 2017: 1).

در اولین دهه از فعالیت کنفرانس همکاری‌های جنوب آفریقا، سیاسی و عمدتاً اتحادیه علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و معطوف به مسائل سیاسی و امنیتی بود. بر این اساس هدف عمده کاهش وابستگی به آفریقای جنوبی بود که از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه قابل دسترسی بود. هرچند که در دهه ۸۰ تلاش‌ها بر امور اقتصادی متمرکز شد. اما عملاً در دهه ۱۹۹۰ و با پایان آپارتاید و عضویت آفریقای جنوبی موضوع توسعه و همکاریهای اقتصادی در اولویت این سازمان قرار گرفت و موضوعاتی مانند دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی حذف و کاهش فقر، تقویت استانداردها و کیفیت زندگی مردم جنوب آفریقا مبارزه با مشکلات از طریق همگرایی منطقه‌ای و رفع موانع تجاری و آزادسازی اقتصاد کشورهای منطقه در دستور اجلاس‌های آن قرار گرفت. از مصوبات این جامعه می‌توان به همکاری و همگرایی گسترده متکی بر توازن، برابری و منافع متقابل از طریق تقویت سرمایه‌گذاری، تجارت و فعالیت‌های آزاد کارخانجات و کالاها و خدمات در درون مرزهای ملی، برقراری سیستم سیاسی، اجتماعی مشترک، تقویت بخش خصوصی، ارزشهای اقتصاد و رقابت‌پذیر نمودن آنها، گسترش دموکراسی و حکومت‌داری مطلوب احترام به قوانین و تضمین حقوق بشر، مشارکت عمومی و حذف فقر و همگرایی منطقه‌ای، صلح، امنیت به منظور ادامه همکاری و زندگی با یکدیگر در سایه صلح و ثبات نام برد (Lewis, 2002: 3). همچنین در این منطقه، اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا نیز وجود دارد که ۵ کشور بوتسوانا،

لسوتو، نامیبیا و سوازیلند و آفریقای جنوبی در آن عضوند که صادرات کالاهای خود را از طریق آفریقای جنوبی انجام می‌دهند. در این میان، کشورهای سادک نیز از فرصت‌های قدرت منطقه‌ای و در حال ظهور آفریقای جنوبی استفاده کرده‌اند به طوری که این کشور با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ در مورد منطقه آزاد تجاری گفتگو کرده است. به دلیل اینکه آفریقای جنوبی یک نیروی تاثیرگذار است، امضای این توافق‌نامه بر روند ابتکارات تجاری منطقه‌ای تاثیرگذار بوده است (Lewis, 2002: 1). در راستای اهداف اقتصادی و سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، پروتکل تجاری سادک در سال ۱۹۹۶ به امضاء رسید و از سال ۲۰۰۰ اجرایی گردید. این مجموعه، برنامه‌های زیر را در سال ۲۰۰۳ برای تسریع همگرایی اقتصادی از جمله تقویت تجارت بین منطقه‌ای از طریق آزادسازی تجاری، تقویت توسعه اقتصادی در کشورهای عضو، خودکفایی در منابع و ایجاد منطقه آزاد تجاری به تصویب رساند. بر اساس پروتکل تجاری منطقه سادک، تعرفه ۸۵ درصد از کالاها در تجارت درون منطقه‌ای تا سال ۲۰۰۸ لغو و مابقی نیز تا سال ۲۰۱۲ به صفر رسید (Sandrey, 2013:2). این اتحادیه منطقه آزاد تجاری را در سال ۲۰۰۸، و اتحادیه گمرکی را در سال ۲۰۱۰ ایجاد کرد. تشکیل بازار مشترک در سال ۲۰۱۵، ایجاد بانک مرکزی و اتحادیه پولی در سال ۲۰۱۶ و رواج پول مشترک منطقه‌ای در سال ۲۰۲۰ از برنامه‌های این اتحادیه بوده است (Maringwa, 2009: 7 & SADC, 2018).

هدف عمده جامعه توسعه جنوب آفریقا، شکل دهی به منافع سیاسی مشترک و حمایت از جریان‌های سرمایه‌گذاری و تجارت آزاد بین کشورهای عضو می‌باشد. منطقه آزاد تجاری، کلید دستیابی به این اهداف است. براساس آمار سال ۲۰۱۲، سادک، بازار منطقه‌ای به ارزش تقریبی ۶۶۰ میلیارد دلار با جمعیت در حدود ۲۸۵ میلیون و رشد اقتصادی با متوسط ۵,۵ درصد را در اختیار دارد (Sandrey, 2013:16&17). از سال ۱۹۸۹ در منطقه سادک، دموکراسی انتخابی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است، در مورد دموکراسی؛ شاخصه‌های درآمد سرانه و توسعه انسانی در شکل‌گیری محور توسعه اقتصادی مؤثر است و از مجموع اعضای سادک در سال ۲۰۰۰، تنها ۶ کشور (سیشیل، موریس بوتسوانا، آفریقای جنوبی، نامیبیا، و سوازیلند) دارای درآمد سرانه بالای ۱/۰۰۰ دلار بوده‌اند (Breytenbach, 2002: 95) در حالیکه براساس آمار سال ۲۰۱۳، کشور آنگولا، لسوتو و نامیبیا نیز به این لیست اضافه گردیده است (UNCTAD, 2014). (جدول شماره ۵)

جدول ۵- مقایسه درآمد سرانه کشورهای سادک بین سالهای ۲۰۱۲-۱۹۹۶

رتبه منطقه	روند	درآمد سرانه براساس تولید ناخالص داخلی (دلار)		روند	درآمد سرانه براساس تولید ناخالص داخلی (دلار)		جمعیت	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	کشور
		۲۰۱۲	۲۰۱۰		۲۰۰۰	۱۹۹۶			
۷	افزایش	۵۷۰۶	۴۳۲۹	کاهش	۲۴۰	۶۱۰	۲۰	۱۰۱	آنگولا
۴	افزایش	۷۰۲۰	۶۸۵۴	افزایش	۳۳۰۰	۳۰۲۰	۲	۱۸	بوتسوانا
۱۴	افزایش	۳۳۸	۲۹۱	کاهش	۱۱۰	۱۴۸	۶۸	۱۶	ج. د. کنگو
۸	افزایش	۲۱۰۶	۱۸۴۵	کاهش	۵۴۰	۷۷۰	۲/۲	۲/۵	لسوتو
۱۳	افزایش	۴۴۱	۴۱۳	کاهش	۲۵۴	۲۹۴	۲۲	۱۰	ماداگاسکار
۱۵	کاهش	۲۵۱	۳۴۳	بدون تغییر	۱۷۰	۱۷۰	۱۵	۸	مالاوی
۲	افزایش	۸۸۳۵	۷۵۶۲	افزایش	۳/۸۰۰	۳/۳۸۰	۱/۳	۱۱	موریس
۱۲	افزایش	۵۶۷	۳۹۸	افزایش	۲۱۰	۸۰	۲۴	۱۳	موزامبیک
۶	افزایش	۶۰۶۴	۵۲۱۲	افزایش	۲/۵۰	۲/۰۰۰	۲/۳	۱۲	نامیبیا
۱	افزایش	۱۱۲۴۰	۱۰۸۴۳	افزایش	۷/۳۱۰	۶/۹۵۶	۰/۰۸۶	۱/۱	سیشل
۳	افزایش	۷۳۱۴	۷۱۷۵	کاهش	۳/۲۰	۳/۱۶۰	۵۱	۴۰۸	آفریقای جنوبی
۵	افزایش	۶۵۱۱	۶۱۹۹	کاهش	۱/۲۹۰	۱/۵۶۶	۱/۲	۴	سوازیلند
۱۱	افزایش	۶۳۳	۵۳۵	افزایش	۲۸۰	۱۲۰	۴۸	۲۴	تانزانیا
۹	افزایش	۱۴۶۳	۱۲۲۵	کاهش	۳۰۰	۴۰۰	۱۳/۵	۱۹	زامبیا
۱۰	افزایش	۹۶۱	۷۶۵	کاهش	۴۸۰	۵۴۰	۱۳	۱۰	زیمبابوه
							۲۸۳/۴	۶۵۷/۶	جمع

Breytenbach, 2002: 95 & fact sheet, 2014.

در چارچوب سیاست‌های منطقه‌گرایی، تجارت درون منطقه‌ای سادک بین سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، ۴ برابر افزایش یافت همچنین این رقم بیش از ۲ برابر بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ افزایش یافته است. دلیل این افزایش در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ ناشی از عادی سازی روابط اقتصادی منطقه‌ای پس از آپارتاید بود که با ورود آفریقای جنوبی به این سازه منطقه‌ای عملی شد و پس از آن نیز آزادسازی تجاری شتاب بیشتری به خود گرفت (Metzger, 2008: 13). به طوری که در سال ۲۰۱۲ شاهد رشد چشمگیر افزایش درآمد سرانه در کشورهای عضو این جامعه بودیم. در سال ۲۰۰۲ تولید ناخالص داخلی جامعه توسعه جنوب آفریقا، ۲۲۶/۱ میلیارد دلار بود (Rakotonjanov and Ramilison, 2007: 42) و این رقم در کمتر از یک دهه، به

حدود سه برابر یعنی ۶۵۷ میلیارد دلار بالغ گردید، هر چند این نکته ضروری است که از این مقدار ۴۰۸ میلیارد آن به تنهایی متعلق به آفریقای جنوبی است که به عنوان بزرگترین اقتصاد منطقه، نماینده ۶۲ درصد از بازار این مجموعه می‌باشد و رده بعدی با فاصله زیاد آنگولا، تانزانیا و بوتسوانا می‌باشند که به ترتیب دارای ۱۰۱، ۲۴ و ۱۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی هستند (Sandrey, 2013:16&17). مقایسه سال‌های ذکر شده در جدول فوق، نشان از افزایش درآمد سرانه مردم دارد که به نظر می‌رسد همگرایی منطقه‌ای، تجارت درون گروهی، به همراه امنیت ناشی از فروپاشی آپارتاید، پایان جنگ سرد و جنگ‌های وکالتی در رشد مثبت درآمد سرانه موثر بوده است. در جدول شماره ۶ وضعیت همگرایی منطقه‌ای و مبادلات تجاری درون منطقه‌ای به همراه روند تغییرات آورده شده است. آمار این جدول نشان از رشد تجاری درون منطقه‌ای بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ از رقم ۱,۶ به ۱۰,۲ درصد دارد در حالیکه این روند نیز تاکنون ادامه داشته است و در سال ۲۰۰۸، به ۱۳,۲ رسیده است. که خود نشان از رشد ۸,۵ برابری (تغییر مثبت از ۱,۶ به ۱۳,۲) دارد (WTO, 2013, 6). و این رقم سالانه رو به رشد بوده است.

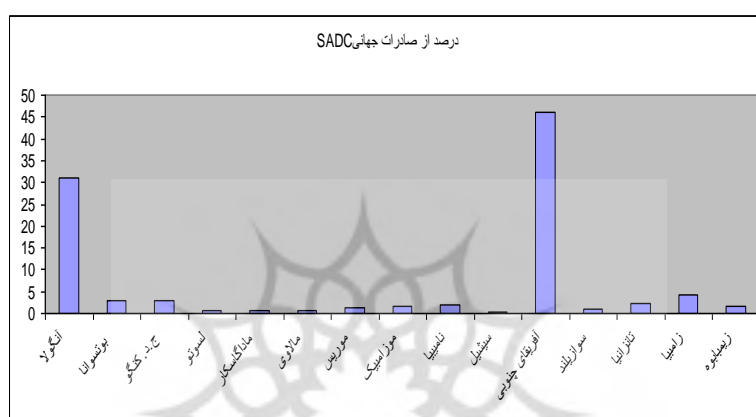
جدول ۶- روند رشد تجارت درون منطقه‌ای سادک (صادرات و واردات) ۱۹۸۰-۲۰۱۳ (درصد)

۲۰۱۵	۲۰۱۳	۲۰۰۸	۲۰۰۳	۱۹۹۹	۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰
۱۹,۵	۱۷,۳	۱۳,۲	۱۰,۶	۱۰,۲	۹,۹	۵,۱	۴,۷	۱,۶

Behar & Edwards, 2010: 7 & African Statistical yearbook, 2014: 31 & African Development Outlook, 2018: 16

در بررسی عملکرد سازمان سادک، نقش آفریقای جنوبی بسیار پررنگ و تاثیر گذار است. این کشور که زمانی عامل ناامنی در منطقه بود به عامل امنیت و برقراری صلح در منطقه تبدیل شد و در فعالیت صلح‌بانی شرکت کرد و فعالیت‌های خود را از امنیت به سمت توسعه تغییر داد. نوع ایدئولوژی سیاسی و هویت ناشی از آن نگرش کشورهای همسایه و نظام بین‌الملل را نسبت به آفریقای جنوبی عوض کرد به طوری که کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش بیشتری از سوی آفریقای جنوبی گردیدند. اما پس از مدتی ایده ژئوپلیتیک جنگ کاهش یافت و جای خود را به ژئوپلیتیک صلح، همگرایی با سیاست جهان، مذاکرات در داخل و همچنین دخالت شهروندان در سیاست خارجی داد و بافتار امنیت منطقه‌ای به شدت از ساختار منازعه به رژیم امنیتی تغییر یافت. دیگر ساختارهایی مانند کشورهای خط مقدم و کنفرانس همکاری منطقه‌ای و حتی سازمان وحدت آفریقا فلسفه وجودی خود را از دست دادند

در نتیجه با شرایط جدید این سازه‌ها، یا می‌بایست به فراموشی سپرده شوند و یا اینکه برای آن کارویژه جدیدی تعریف گردد. با هویت جدید، کشورهای همسایه و نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش این کشور در منطقه و جهان گردیدند. با توجه به این نوع تغییر، آفریقای جنوبی به عضویت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در آمد و توانست با توان اقتصادی و تغییر ایدئولوژی، اولویت امنیت محور را به سیاست توسعه محور تغییر دهد (Sariolgalam, bakhshi, sajjadpour, 2006:35).



نمودار ۴- سهم کشورهای سادک در صادرات جهانی (۲۰۱۱)

Sandrey, 2013:4

نمودار فوق نشان از نقش آفریقای جنوبی در این بلوک منطقه‌ای دارد به طوری که این کشور به تنهایی ۴۷ درصد از صادرات و ۵۸ درصد از واردات منطقه را دارا می‌باشد، کشور آنگولا با ۳۱ درصد صادرات و ۱۱ درصد واردات در رتبه دوم قرار دارد و کشورهای دیگر زیر ۳ درصد قرار دارند. این وضعیت، تاثیر آفریقای جنوبی را در فرایند همگرایی و توسعه نشان می‌دهد.

بین کشورهای سادک و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای همگرایی و هم پوشانی وجود دارد، در جدول شماره ۷، میزان هم پوشانی سادک با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای نشان داده شده است. به طوری که تمام کشورهای عضو اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا، عضو این سازمان می‌باشند و از طرفی اکثر اعضا سادک عضو بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا نیز می‌باشند. این نوع همگرایی‌ها باعث شده است که در اجلاس ۶ ژوئن ۲۰۱۰، در رواندا ۲۶ کشور عضو این سه سازمان منطقه‌ای برای ایجاد منطقه آزاد تجاری به توافق

برسند و عملیاتی شدن آن در اجلاس ژوین ۲۰۱۱ در ژوهانسبورگ شروع شده است و قرار شد تا سال ۲۰۲۰ اتحادیه کامل اقتصادی توسط کشورهای عضو محقق گردد.

جدول ۷- وضعیت عضویت کشورهای سادک در دیگر سازمان‌های منطقه‌ای

کشور	جامعه توسعه جنوب آفریقا	اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا	بازار مشترک شرق و جنوب	جامعه اقتصادی شرق آفریقا
آنگولا	#		#	
بوتسوانا	#	#		
ج.د.کنگو	#		#	
لسوتو	#	#		
ماداگاسکار	#		#	
مالاوی	#		#	
موریس	#		#	
موزامبیک	#			
نامیبیا	#	#	#	
سیشیل	#		#	
آفریقای جنوبی	#	#		
سوازیلند	#	#	#	
تانزانیا	#			#
زامبیا	#		#	
زیمبابوه	#		#	

Ref: SADC: 2018



نمودار ۵- روند تجارت منطقه سادک ۲۰۰۴-۲۰۰۸ (راند آفریقای جنوبی)

Western Cape and Sadc, 2010: 1

آمار جداول و نمودارهای فوق نشان می‌دهد که صادرات سادک بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بیش از ۱۰۰ درصد رشد داشته است و از رقم ۵۰ میلیارد در سال ۲۰۰۰ به ۱۱۳ میلیارد در سال ۲۰۰۵ رسیده است (Maringwa, 2009: 13). این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۲۱۰ میلیارد دلار رسیده است (Sandrey, 2013:4). همچنین تجارت درون منطقه‌ای بین سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، ۱۴۳ درصد و در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال قبل از آن ۲۶ درصد رشد داشته است.

به طوری که در طول دهه اخیر رشد ۳ درصدی را تجربه کرده است. علاوه بر این، سهم سادک در تجارت جهانی در سال ۲۰۰۸ براساس ارزش دلاری به ۱,۶ درصد و در سال ۲۰۱۳، به ۲,۱ درصد از تجارت جهانی رسید. این در حالی است که این رقم براساس آمار ۱,۵، ۱۹۹۰، درصد بوده است (Behar&Edwards,2010:3,AfricanStatisticalyearbook,2014). همانطور که ذکر شد حضور آفریقای جنوبی در روند همگرایی و همچنین رشد و توسعه منطقه موثر است به طوری که با اراده کارگزاران سیاسی این کشور شتاب بیشتری به خود گرفت. هر چند که وزن سیاسی و اقتصادی (هژمونی) این کشور از دیدگاه بسیاری از کارشناسان در کنار تاثیرات مثبت، می‌تواند تاثیرات منفی نیز داشته باشد. اما کارشناسان معتقدند که آفریقای جنوبی از میان دو مدل چیرگی بهره‌کشانه و روابط متقابل سودمند، مدل دومی را انتخاب کرده است که این امر در کنار منافع ملی، منافع منطقه‌ای را در پی خواهد داشت (Hentee, 2012:302).

آمارها نشان می‌دهد که آزاد سازی نسبی منطقه سادک در مقایسه با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای روی شتاب بیشتری داشته است. برای مثال در سال ۲۰۰۸ نرخ صادرات جهانی در حدود ۲۰ درصد بوده است. در حالی که این رقم برای سادک و اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا ۳۰ درصد بوده است. این رقم، نشان از آزادسازی تجاری نسبت به دهه ۱۹۹۰ دارد (Behar & Edwards, 2010: 4) همچنین تجارت درون جامعه از سال ۱۹۸۰ رشد قابل توجهی داشته است. برای مثال سهم صادرات در درون سادک از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ سه برابر گردید و این رقم نیز در سال ۲۰۰۸ افزایش داشت و از رقم ۹,۹ به ۱۲,۱ و در سال ۲۰۱۲ به ۱۳، در سال ۲۰۱۳ به ۱۷,۳ و در ۲۰۱۵ به ۱۹,۵ درصد افزایش یافت (Behar & Edwards, 2010: 6). & African Statistical yearbook, 2014: 37 & African Development Outlook, 2017: 16)

نتیجه‌گیری

امروزه گسترش تجارت خارجی جایگاه ویژه‌ای داشته و آزادسازی بازارهای تجاری به سمبل جهانی شدن تبدیل شده است که نتایج حاصل از آن در افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه عینیت می‌یابد. در این راستا، مسائل و مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته و همچنین شکست برنامه‌های تعدیل ساختاری و موفقیت اندک کمک‌های توسعه‌ای باعث گردیده است تا علاوه بر کشورهای، سازمان تجارت جهانی نیز در راستای ایده خاص خود یعنی جهانی شدن، موضوع آزادسازی اقتصاد را در دستور کار خود قرار دهد. کشورهای در حال توسعه با توجه به سطح توسعه و آمادگی برای تغییرات، فرایند الحاق فوری به جهانی شدن را به ضرر خود می‌دانند و حتی در مقابل آن مقاومت می‌کنند. از دیدگاه این گروه از کشورهای، یکی از ملزومات ورود مناطق گوناگون به جریان جهانی شدن، منطقه‌گرایی است و منطقه‌گرایی یعنی فرایندی که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود

قاره آفریقا علیرغم مشکلات و فراز و نشیب‌ها، هنوز هم یکی از مناطق ثروتمند جهان است که منابع گسترده آن برای تولید منطقه‌گرایی و جهانی شدن ضروری است. کشورهای این قاره همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاقه‌مند می‌باشند تا آسیب‌پذیری خود را از این پدیده به حداقل برسانند، در نتیجه، همگرایی منطقه‌ای را به عنوان یک ابزار عمده پیشرفت اقتصادی در نظر گرفته‌اند. منطقه جنوب آفریقا، دارای سابقه طولانی در همکاری‌های منطقه‌ای اقتصادی می‌باشد. به طوری که سابقه این نوع همکاری‌ها به بیش از ۱۲۰ سال پیش و زمان تاسیس کنفدراسیون اتحادیه گمرکی برمی‌گردد و مهم‌ترین سازمان منطقه‌ای آن جامعه توسعه جنوب آفریقا می‌باشد.

اهداف این سازمان در اولین دهه تشکیل، معطوف به مسائل سیاسی و امنیتی بود. بر این اساس هدف عمده، کاهش وابستگی به آفریقای جنوبی بود که از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه قابل دسترسی بود. در دهه ۱۹۹۰ و با پایان آپارتاید و عضویت آفریقای جنوبی موضوع توسعه و همکاری‌های اقتصادی در اولویت این سازمان قرار گرفت و موضوعاتی مانند دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی، حذف و کاهش فقر، تقویت استانداردها و کیفیت زندگی مردم جنوب آفریقا مبارزه با مشکلات از طریق همگرایی منطقه‌ای و رفع موانع تجاری و آزادسازی اقتصاد کشورهای منطقه در دستور اجلاس‌های آن قرار گرفت. این سازمان در راستای اهداف اقتصادی و سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، پروتکل تجاری سادک را در

سال ۱۹۹۶ به امضاء رسانید و از سال ۲۰۰۰ نیز آن را اجرایی نمود. این مجموعه برنامه‌های زیر را در سال ۲۰۰۳ برای تسریع همگرایی اقتصادی از جمله: تقویت تجارت بین منطقه‌ای از طریق آزادسازی تجاری، تقویت توسعه اقتصادی در کشورهای عضو، خودکفایی در منابع و ایجاد منطقه آزاد تجاری به تصویب رساند.

عملکرد سادک نشان می‌دهد که تجارت درون منطقه‌ای بین سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳، نشان از رشد ۲۶۰ درصدی دارد، که این روند علیرغم کاهش تجارت خارجی قاره آفریقا مانند سایر نقاط جهان از سال ۲۰۱۵ تاکنون به شدت ادامه دارد دلیل این افزایش ناشی از عادی‌سازی روابط اقتصادی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی پس از آپارتاید بود که با ورود آفریقای جنوبی به این سازه منطقه‌ای عملی شد و پس از آن نیز آزادسازی تجاری شتاب بیشتری به خود گرفت. آمار تجاری سادک نشان می‌دهد که صادرات این سازمان منطقه‌ای بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ بیش از ۲۰۰ درصد رشد داشته است و از رقم ۵۰ میلیارد در سال ۲۰۰۰ به ۲۱۰ میلیارد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. علاوه بر این، سهم سادک در تجارت جهانی در سال ۲۰۱۳ براساس ارزش دلاری به ۲٫۱ درصد از تجارت جهانی (در مقایسه با ۱٫۵ درصد در سال ۱۹۹۰) رسید.

آزادسازی نسبی منطقه سادک در مقایسه با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای این قاره، شتاب بیشتری داشته است. برای مثال در سال ۲۰۱۳ نرخ صادرات جهانی در حدود ۲۰ درصد بوده است در حالی که این رقم برای سادک و اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا ۳۰ درصد بوده است. این رقم نشان از آزادسازی تجاری نسبت به دهه ۱۹۹۰ دارد. همچنین جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک) و بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (کومسا) و جامعه اقتصادی شرق آفریقا، با توجه به همپوشانی اعضا و اهداف، مذاکرات طولانی مدت برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری داشته‌اند که بالاخره در ژوئن ۲۰۱۱ نمایندگان ۲۶ کشور از این ۳ بلوک تجاری، مرحله نخست همگرایی را با هدف تاسیس منطقه آزاد تجاری، تقویت زیر ساخت‌های توسعه و بسیج منابع و طی مراحل برای ایجاد یک منطقه مالی و پولی مشترک را تا سال ۲۰۲۰ اعلام کردند. هر چند که آمارها از همگرایی مثبت منطقه‌ای و رشد بهتر این منطقه نسبت به دیگر مناطق حکایت دارد اما ذکر این نکته نیز ضروری است که بیشتر این موفقیت‌ها مرهون آفریقای جنوبی و وزن اقتصادی و سیاسی این کشور می‌باشد، امری که بسیاری از کارشناسان در کنار نقش مثبت این کشور، اثرات منفی و بهره برداری هژمونیک آفریقای جنوبی را نیز خاطر نشان ساخته‌اند. هر چند که با مقایسه سیاست این کشور در دوران آپارتاید و پس از آن، می‌توان این اطمینان را داشت که اراده کارگزاران این کشور بر رشد

و توسعه منطقه شکل گرفته است زیرا آنان معتقدند که نمی‌توان بهشت را در دریای متلاطم منطقه‌ای برپا کرد و همزمان باید تمام منطقه به درجه‌ای از رشد و توسعه دست یابند.

قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند ضمن تشکر از نویسندگان کتاب و مقاله که در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته است، مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به پژوهشگران حوزه مطالعات آفریقا جهت تولید محتوای علمی و ادبیات در کشور ابراز نماید.

کتابنامه

1. African Development Bank Group (2014). *African statistical yearbook*, available at: www.afdb.org
2. African Development Bank Group (2018). *African Economic outlook*, available at: https://www.afdb.org/fileadmin/uploads/afdb/Documents/Publications/AEO_2017_Report_Full_English.pdf
3. African Union (2004). Strategic plan of the African union; *African Union Monthly*, vol.3, (1), available at: www.africanunion.com
4. Bakhshi, A. (2009). Africa position in Islamic Republic of Irans foreign relations: on vision 1404, *African research Quarterly*, 1(1), 29 -63. (In Persian)
5. Behar, A& Lawrence E. (2011). *How Integrated is SADC Trends in Intera-Regional and Extra-Regional Trade Flows and Policy?* World Bank, available at: [https:// documents. Worldbank. org/ curated/ en/ 887481 468169755688/ pdf/WPS5625.pdf](https://documents.worldbank.org/curated/en/887481468169755688/pdf/WPS5625.pdf)
6. Behkish, M. (2006). *Iran's economy in globalization trend*, Tehran: Ney publisher. (In Persian).
7. Blesel, D & Chef Amica A. (2009). *Guide of World Trade System*, (M., Mohammadkhan & M., shishe chiha Trans.), Tehran, Soroush publisher. (in Persian)
8. Breytenbach, W. (2002). Democracy in the SADC Region: A comparative overview *African Security Review*, 11(4).
9. Department of Foreign Affairs and Trade, Australia Government (2014). *Fact sheet*, Available at : <http://www.dfat.gov.au/geo/>
10. Hafeznia, M., Mokhtari H. & Eftekhari, A. (2012). a survey of political geography challenges in Regional cooperation, case study: Economic Cooperation Organization(ECO), *Geopolitics Quarterly*, 8(1), 1-41.(In Persian)
11. Hentee, B., and Andrash, E. & Ozoaldo, S. (2012). *Globalization and Regionalism*, (Tayyeb, A. Trans), Tehran: center for international Research and education. (In Persian).
12. Henteh Bejorn (2002). *Development Theory and three worlds*, (Moathaghi,A., Tehran: Ghomes Publisher.(In Persian)

13. Hossini, M & human, T. (2009). A survey of African country indexes and its position in world trade, *barresybazargani Quarterly*, 36, (3), 70-93. (In Persian).
14. Lee, M. (2003). *The political Economy of Regionalism in southern Africa*, Cape Town, university of Cape Town.
15. Lee, N. & Martin J. (2004). *New face of Security of Middle East*, (Nasri, G. Trans). Research institute of Strategic Studies. (In Persian).
16. Lewis, J. & Robinson, S. (2002). *Free Trade Agreement and the SADC Economics*, Available at: <http://www.Cigar.org/ifpri/divs/tmd/dp.htm>.
17. Maringwa, J. (2009). Trade Policy and Trade Flow Analysis, Commonwealth Secretariat, Australian Government (Ausaid).
18. McKinley, T. (2011). Neo liberalism and Sadc free trade agreement, *policy brief*, Available at: <http://www.ituc-africa.org/IMG/pdf/SADC-FTA-Policy-Brief-2011.pdf>
19. Merabi, V. & shokri, N. (2006). *Forwarded to World trade*, Tehran porsman Publisher. (In Persian).
20. Metzger, M. (2008). Regional Cooperation and Integrating in sub-Saharan Africa, *UNCTAD*, No 189, Available at: https://unctad.org/en/Docs/osgdp20084_en.pdf.
21. Miller, T. (2014). *2014 Index of Economic Freedoms*, Washington, Heritage Foundation.
22. Mir, Herald (2008). *Fundamental issues about Economic Development*, gholamreza (Azad, G., Tehran: Ney Publisher. (In Persian).
23. Moller, B. (2002). *Regional Security of Persian Gulf, From Formation to conflict in Securitized society* (Bahrani, M. Trans). (In Persian).
24. Mosavi, M. (2009). Globalization and Regionism, Divergence or Coalition, *Foreign Relations Quarterly*, 1(3), 119-138. (in Persian)
25. Movahedi, F. (2006). WTO and Regionism, *Trend Quarterly*, 17(50-51), 171-210. (in Persian)
26. Moyo, B. (2007). *Africa in Global Power Policy*, London, Adonis & Abbey.
27. Nematolahi, S. (2012). Regional Trades Agreements in Globalization Areas, *Donya-e-eghtesad NewsPaper*, 6(2645), 14. (in Persian)
28. Pirasteh, H. Tayyebi, K. & Hortamani, H. (2006). The Role of Contiguity in Economic Regimentation of the Members of OIC with an Emphasis on Agriculture Section, *Economic Survives Quarterly*, 3(2), 49-81. (in Persian).
29. Rakotonjanov, T. & Ramilison, E. (2007). Deepings Integration in SADC: Madagascar ° Challenges for the Newcomer, *Regional Integration in Southern Africa*, Friedrich Ebert Foundation, available at: <https://library.fes.de/pdffiles/bueros/botswana/04931.pdf>.
30. Rossouw, J. (2017). Convergence the Southern African Development Community (Sadc): Dream or reality? , *ESSA Confernce*, Johannesburg, University of the witwatersrand, 1- 12.

31. Sandrey, R. (2013). An Analysis of the SADC Free Trade Area, *Tralac Trade Brief*, Available at: [www. Tralac.org](http://www.Tralac.org).
32. Sariolghalam, M., Bakhshi, A., Sajjadpour, K. (2006). A comparative study on south Africa Foreign policy before and after Apartheid Era: from Geopolitics of war to Geopolitics of peace, *Geopolitics Quarterly*, 2(3-4), 22-44. (In Persian).
33. Shahabi, S. & Shikoleslam, M. (2007). Can we Wait for Economic Cooperation Organization (ECO) Success? *Politics Quarterly*, 37(3), 139-191. (In Persian)
34. Soliemanpour, H. & Damanpakjani, M. (2009). The role of multi lateralism and Regional trades Orders in Developing of trades of Islamic republic of Iran, *Central EuroAsia Quarterly*, 2(3), 77-96. (In Persian).
35. Southern African Development Community (SADC)(2018). *Integration Milestones*, Available at: <http://www.sadc.int/about-sadc/integration-milestones/>
36. Southern African Development Community (SADC), Available at: <http://www.sadc.int/member-states/>
37. Tavares, R. (2009). *Regional Security*, London, Rutledge.
38. UNICA & African Union (2014) Dynamic Industrial Policy in Africa, *ECA policy brief*, Addis Ababa available at: <http://repository.uneca.org/bitstream/handle/10855/22765/b11489546.pdf?sequence=1>.
39. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) (2017). Economic Development in Africa, Report 2017, Available online at: <http://www.unctad.org>.
40. United Nations Conference on Trade and Development UNCTAD (2009). Economic development in Africa: strengthening Regional Economic interaction for Africa's development. Available online at: <http://www.unctad.org>
41. United Nations Conference on Trade and Development UNCTAD (2013). Economic development in Africa, Report 2013: Intra- African Trade. Available online at: <http://www.unctad.org>.
42. United Nations Conference on Trade and Development UNCTAD (2014). Economic Development in Africa, Report 2014, Available online at: <http://www.unctad.org>
43. United Nations Conference on Trade and Development UNCTAD(2008), *Handbook of Statistics*: Available online at: <http://www.unctad.org>
44. Villiers, L. (2013). *Africa 2012*, Business book international.
45. *Western Cape and Sadc Trade & Investment Fact Sheet* (2010). Available at: <http://www.trademarksa.org/node/2989>.
46. World Bank (2000). *Can Africa claim 21st century?* Washington DC. World Bank Group.
47. World Economic outlook(2008). Available at: www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2008/02/index.htm

48. World Trade Organization (2017). *World Trade statistical Review*, Available at: https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/wts2017_e/wts2017_e.pdf.
49. World Trade Organization (2013). *World Trade Report*, Available at: www.wto.org
50. Zarenda, H. (2013). Reconstructing Regional Integration in Africa? *Tralac Trade Brif*, Available at: www.Tralac.org.

